

دانشکده فنی حرفه ای ولیعصر (عج)

درس: جامعه شناسی عمومی

استاد: سیده مهرناز نقیبی

آذر ۱۳۹۲

جلسه یکم

تعریف جامعه‌شناسی :

جامعه‌شناسی مجموعه‌ای از دانش است که بر اثر جستجوها و مطالعات مبتنی بر روش علمی در ترکیب، سازمان و روابط اجتماعی موجود در جوامع انسانی حاصل می‌گردد. جامعه‌شناس به دنبال تجزیه و تحلیل امور و مسائل مهم زندگی اجتماعی است. مانند رشد و انتقال و فرد از کودکی به بزرگسالی، شبکه روابط اجتماعی منازعات و اختلافات و درگیری‌های سیاسی، جنگها و نابرابری‌های اجتماعی، مشکلات گروهها و قشرهای خاص جامعه، قدرت سیاسی، نفوذ وسایل ارتباط جمعی در زندگی، آلودگی محیط زیست و انواع انحرافات اجتماعی، تاثیرات تکنولوژی بر روابط اجتماعی و ... اموری که همه ابعاد اجتماعی دارند.

از زمان آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷) بنیان‌گذار لغت جامعه‌شناسی تعاریف متعددی از جامعه‌شناسان با توجه به مطالعات و روش و گرایش خود و نیز رشد علمی و هیته کار این رشته در طول زمان بدست آمده است. مهم‌ترین تعاریف به شرح زیر است:

آگوست کنت: جامعه‌شناسی را علم تجزیه و تشریح مظاهر حیات اجتماعی نامید و آن را همانند علمی مستقل در طبقه بندی علمی از علوم وارد کرد.

امیل دورکیم (دورکهایم): جامعه‌شناس فرانسوی تعاریف متعددی از جامعه‌شناسی ارائه می‌کند و آخرین تعریف او را به این نتیجه می‌رساند جامعه‌شناسی علمی است که سوور خاص و متفاوت حیات اجتماعی را که متکی بر وجدان جمعی است بررسی کند.

ماکس وبر: جامعه‌شناس آلمانی (۱۸۶۴-۱۹۲۰) عقیده داشت جامعه‌شناسی علمی است که قصد دارد با تشریح مفاهیم ذاتی رفتار اجتماعی به شناخت آن برسد و موفق به تبیین علمی آن شود.

مارسیل مورس: جامعه‌شناس فرانسوی (۱۸۷۲-۱۹۵۰) جامعه‌شناسی را علمی می‌داند که با نظر جامعه، پدیده‌های اجتماعی کامل را بررسی می‌کند.

ژورژ گورویچ: جامعه شناس معاصر بعد مطالعه تعاریف دانشمندان و رد بسیاری از آنها اعلام می کند جامعه شناسی علمی است که پدیده های اجتماعی کامل، گروه بندی های کوچک و جامعه های بزرگ را از نظر سیر تکوینی و انهدام آنها مطالعه می کند. با مرور این تعاریف می توان گفت اشتراکات زیادی در آنها وجود دارد ولی تفاوت های خاصی نیز مشهود است و میان دو دسته جامعه شناسان اروپایی و آمریکایی اختلاف نظر قابل توجهی وجود دارد به عبارتی جامعه شناسان فرانسوی به ساخت و نظام جامعه اهمیت می دهند در حالی که جامعه شناسان آمریکایی به روابط افراد و کنش های گروهی توجه دارند.

به عنوان نتیجه: جامعه شناسی با توجه به نتایج سایر علوم در حوزه انسانی و اجتماعی نحوه روابط افراد را با هم و با محیط اجتماعی آنان بررسی می کند و هدفش از این بررسی ها کشف قوانین عمومی حاکم بر حیات اجتماعات است که این کار با روش های علمی انجام می گیرد و به دنبال شناخت علل اجتماعی پدیده هاست.

هدف و کاربرد جامعه شناسی:

آگوست کنت هدف جامعه شناسی را بدست آوردن قواعدی جهت ترقی و تعالی جوامع انسانی و پیشرفت بشریت عنوان کرده بود و بنابراین هدف نهایی در چند دسته زیر طبقه بندی می شود: **(الف)** بهبود در امور اجتماعی **(ب)** خیر و صلاح عمومی

(ج) وصف نوعی مدینه فاضله یا جامعه ایده آل

(د) تنظیم دستورالعمل و احکامی که قبل از همه متضمن نتایج عملی است.

جامعه شناس به دنبال نصیحت کردن برای زندگی بهتر و صدور احکام ارزشی و حکم کردن درباره خوبی و بدی امور مسائل نیست، بلکه به عنوان یک محقق مسئله را شناخته و علل آن را معین می کند بنابراین می توان گفت که هدف جامعه شناسی به عنوان یک علم بررسی و شناخت علمی پدیده ها و بیان روابط و مناسبات علت و معلولی موجود در پدیده ها مورد بررسی است، پس هدف مستقیم جامعه شناسی شناخت و توصیف علمی است.

کاربرد:

جامعه‌شناسی به شناخت اجتماعی توجه دارد و جامعه‌شناس به دنبال شناسایی علمی است و نتایج خود را ارائه می‌دهد بنابراین کاربرد های جامعه‌شناسی را باید با توجه به نتایجی که از آن طریق بدست می‌آید ارزیابی کنیم. مثلاً خواندن جامعه‌شناسی اما تعداد کمی جامعه‌شناس شدن و بقیه در امور اجتماعی شرکت کردن و هر کدام سهم و نقشی در اداره جامعه داشتن.

رابطه جامعه‌شناسی با سایر علوم:

برای آنکه بدانیم مشخصاً چه موضوعاتی به جامعه‌شناسی تعلق دارد و چه مرزهایی آن را از سایر علوم اجتماعی جدا می‌کند موفقیت زیادی کسب نمی‌کنیم.

پیرناویل: اعتقاد دارد که جامعه‌شناسی محل تقاطع مجموعه رشته‌ها و تحقیقات علمی در زمینه علوم اجتماعی و یا سنتز آنهاست.

سه نظر کلی درباره ارتباط جامعه‌شناسی با علوم اجتماعی وجود دارد که عبارتند از:

الف) علوم اجتماعی در حکم شعبه‌های جامعه‌شناسی است زیرا تمام پدیده‌های اجتماعی در جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

ب) جامعه‌شناسی درباره روابط علوم اجتماعی مطالعه می‌کند و جامعه‌شناس موضوعات مطالعه شده دیگران را به هم پیوند می‌دهد.

ج) موضوع جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی یکی است، جامعه‌شناس هم مانند دیگر علوم اجتماعی امور اجتماعی را بررسی می‌کند.

بنابراین جامعه‌شناسی با سایر علوم اجتماعی از قبیل علم اقتصاد، سیاست و روانشناسی اجتماعی رابطه نزدیک داشته و از همه آنها استفاده می‌کند و نتیجه این استفاده ایجاد رشته‌هایی مثل جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی

حقوقی، جامعه‌شناسی سیاسی را پدید آورده است. بنابراین جامعه‌شناسی شعبه‌ای از علوم اجتماعی است که با سایر علوم اجتماعی ارتباط و اشتراک موضوعی دارد.

روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی:

شاید کمتر پدیده اجتماعی باشد که با روانشناسی رابطه نداشته باشد، از طرفی دیگر هر "پدیده روانی" در حقیقت اجتماعی است. (مثلاً آثار ترافیک بر روان افراد جامعه، اعتیاد). روانشناسی اجتماعی رابطه فرد را با جامعه از حیث تاثیرات روانی مطالعه می‌کند و عموماً زمینه تحقیق آن در چند جهت زیر خلاصه می‌شود:

(الف) اثر جامعه در فرد از طریق اجتماعی شدن.

(ب) اثر فرد در جامعه از طریق پدیده‌هایی مانند رهبری.

(ج) روابط میان افراد و کنش‌های متقابل موجود مثل: مخالفت، رقابت و سازگاری.

(د) آثار روانی مربوط به نیازمندیهای انسان و خصوصیات او در رابطه با محیط.

جلسه دوم

انواع جامعه:

جامعه‌شناسان برای سهولت بررسی انواع گوناگون اجتماعات بشری طبقه‌بندی‌های مختلفی را ارائه می‌دهند و از جوامعی به نام سنتی، صنعتی، فراصنعتی - ایلی، روستایی، شهری - باستانی و جدید نام می‌برند. در یک طبقه‌بندی دیگر جامعه ابتدایی و جامعه متمدن / جامعه‌های دامداری، کشاورزی و صنعتی / جامعه‌های سرمایه‌داری، سوسیالیستی و توسعه یافته / جامعه شهری و روستایی / جامعه مادی و الهی و طبقه‌بندی دیگر جامعه پیش از امروز که مربوط است به جوامع شکار و گردآوری / جوامع کشاورزی / جوامع شبانی (چوپانی) / جوامع غیرصنعتی یا دولتهای سنتی (شامل تمدن‌ها یا که در کنار خلیج مکزیک زندگی می‌کردند و اکنون از بین رفته‌اند) و جوامع در جهان امروز (جوامع صنعتی و جوامع جهان سوم).

جوامع ابتدایی و جوامع متمدن:

در این تقسیم بندی جوامع ابتدایی شامل جوامعی هستند که از راه شکار و گردآوری گیاهان خوراکی زندگی می کنند، نابرابری ها بین افراد کم و تفاوت مقام یا مرتبه بر حسب سن و جنس آنهاست.

جوامع کشاورزی اجتماعات کوچک روستایی بدون شهرهای کوچک و بزرگ از راه کشاورزی و همراه با شکار و گردآوری معیشت آنان تأمین می شد، نابرابری ها به شکارچیان و گردآورندگان مربوط می شد، همچنین جوامع شبانی که برای معاش خود به نگهداری حیوانات اهلی مبادرت می کردند جمعیت آنها از چند صد هزار نفر متغیر است جوامع شبانی معمولاً توسط رؤسا یا شاهان جنگجو اداره می شود.

جوامع ابتدایی: الف) شکار و گردآوری ، ب) کشاورزی ، ج) شبانی

جوامع متمدن:

کشاورزی هنوز پایه اصلی نظام اقتصادی است، اما تجارت و صنعت در شهرها متمرکز شده شهر وجود دارد، دستگاه حکومتی مشخصی دارند، در راس آنها شاه یا امپراتور است و نابرابری ها در آن شدید است.

جوامع جهان اول یا توسعه یافته:

جوامع جهان اول جوامع مبتنی بر تولید صنعتی که نقش قابل ملاحظه ای به سرمایه گذاری آزاد می دهند، تنها بخش بسیار کوچکی از جمعیت به کشاورزی اشتغال دارند، اکثر مردم در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی می کنند، نابرابری های طبقاتی مهمی وجود دارد هرچند این نابرابری ها نسبت به دولتهای سنتی کمتر مشخص است این جوامع اجتماعات سیاسی مجزا یا دولتهای ملی را تشکیل می دهند. (از قرن ۱۸ تا امروز)

جوامع جهان دوم:

جوامعی دارای شالوده صنعتی هستند، اما نظام اقتصادی شان به طور متمرکز و برنامه ریزی شده و تنها بخش نسبتاً کوچکی از جمعیت در کشاورزی کار می کنند و بیشتر مردم در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی می کنند، نابرابری های مهم طبقاتی وجود دارد هرچند هدف حکومت های مارکسیستی این جوامع ایجاد نظام (بی طبقه) است. مانند

کشورهای جهان اول، کشورهای جهان دوم اجتماعات سیاسی مجزا یا دولتهای ملی را تشکیل می دهند. (اوایل قرن بیستم پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه تا امروز را مشاهده می کنیم).

جوامع جهان سوم:

جوامعی که اکثریت آنها کشاورزی و در نواحی روستایی زندگی می کنند اکثر آنها از روشهای تولید سنتی استفاده می کنند با این حال بخشی از محصول کشاورزی در بازارهای جهانی به فروش می رسد بسیاری از کشورهای جهان سوم دارای سرمایه داری آزادند حال آنکه بعضی از این کشورها برنامه ریزی متمرکز دارند جوامع جهان سوم مانند جوامع جهان اول و دوم اجتماعات سیاسی مجزا یا دولتهای ملی دارند. (اجتماعات سیاسی مثل احزاب)

جلسه سوم

تعریف نهاد اجتماعی:

نهاد را معمولاً نظامی از تشکیلات، شیوه های قومی، آداب و رسوم و قوانین می دانند که نقش آن استقرار رفتارهای مناسب برای ایفای کارکرد های اساسی در یک جامعه است.

در یک نهاد آنچه اهمیت دارد سازماندهی به رفتارها یا روشهای انجام فعالیتهاست که در

رابطه با نیازمندیهای مهم مطرح می شود. در بررسی هر نهاد اجتماعی ساخت اجتماعی یکی از جنبه های مهم است. ساخت اجتماعی دربرگیرنده نظام روابط اجتماعی تعهدات متقابل در نقش های اجتماعی و انتظارات در سطح جامعه و در ارتباط با نیاز معینی می باشد.

ویژگی های نهاد اجتماعی:

- ۱) نهاد ماندنی و دیر پا است و از هنگام تشکیل دارای درجه ای از تداوم است. (نهاد خانواده)
- ۲) از آنجا که نهاد ها دائمی هستند معمولاً تغییرات آنها تدریجی و آرام است و مقاومت آنها در مقابل دگرگونی های زمانه بیشتر است. (نهاد ازدواج، ازدواج اقلیت های جنسی)
- ۳) نهادها به طور کلی طرح ریزی شده هستند اما در مقام پاسخ دهی به برخی از نیازهای اساسی عمل می کند.

۴) نهادها برای حفظ وفاداری و پیوستگی اعضاء دارای سمبل یا نماد هستند. (پرچم یک کشور، علامت صلیب مسیحیان)

۵) نهادها دارای قوانین، ضوابط و هنجارهای رفتاری هستند که از طریق آن ایفای نقش ها و رفتارهای اعضاء مشخص می شود. (سوگند خوردن پزشکان، سوگند وفاداری مجلس، ضوابط اخلاقی در علم و آموزش و پرورش)

۶) نهادها دارای درجات متفاوتی از ساخت هستند طیف گسترده ای از ساخت های خشک و خشن مثل ارتش، قابل انعطاف و سست مثل خانواده طبقه متوسط ساکن اروپای غربی.

۷) نهادها در عملکرد خود دو نوع کارکرد دارند: **الف)** آشکار، **ب)** ضمنی

الف) کارکرد آشکار دسته ای از هدف های نهاد هستند که صریحاً شناخته شده اند و در مورد آنها توافق وجود دارد. مثلاً یکی از کارکرد های آموزش و پرورش به مردم یاددادن چگونه فکر کردن و یا تعلیم آنها برای مشاغل خاص است.

ب) کارکرد های ضمنی آن دسته از نتایج عملکرد نهادی است که شناخته شده و قابل انتظار نیست. مثلاً یکی از نتایج گسترش نظام دانشگاهی در سالهای اخیر آموزش فعالیت سیاسی و یا مبارزه جویی در عرصه مسایل اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی است که معمولاً در ردیف عملکرد های اصلی نهادی منظور نمی شود.

۸) نهادهای مختلف اجتماعی در نظامی از وابستگی درونی متقابل با یکدیگر مرتبط هستند. مثلاً میزان ازدواج و ثبات حیات خانوادگی بر رشد جمعیت اثر می گذارد و رشد جمعیت بر نیازمندیهای آموزش و پرورش و اقتصاد موثر است و وضع اقتصادی و افراد زیر پوشش سازمان های آموزشی تعیین می کنند که چه کسی در چه سنی ازدواج کند.

انواع نهاد های اجتماعی:

تنوع نهادهای اجتماعی مستلزم وجود جامعه ای رشد یافته و غیر همسان از نظر محتوای انسانی است. برخی از جامعه شناسان، جامعه شناسی را علم نهاد های اجتماعی تعریف کرده اند. معروف ترین روش طبقه بندی آنها بر اساس کارکرد

یا نوع پاسخگویی به نیاز مندیهای اجتماعی است که مهم ترین آنها عبارتند از: نهاد خانواده، نهاد آموزش و پرورش، نهاد اقتصادی، نهاد مذهبی، نهاد تفریحی.

نهاد خانواده: نظامی است که به تنظیم، ثابت کردن و استاندارد کردن روابط جنسی و تولید مثل انسانی می پردازد، رایج ترین شکل آن اتحاد زن و مرد با فرزندان در داخل یک خانوار است. نهادهای فرعی آن ازدواج نگهداری فرزندان و روابط خانوادگی می باشد.

نهاد آموزش و پرورش: عهده دار روند اجتماعی کردن است که به طور غیر رسمی در خانه و در صورت رسمی آن در سازمان پیچیده آن انجام می شود. نهادهای فرعی آن عبارتند از: امتحان، درجات تحصیلی، دیپلم ها، کار در منزل و...

نهاد اقتصادی: حالت سازمان یافته شیوه هایی است که از طریق آنها کالا و خدمات تولید می شود و این نهاد را اساساً به تولید، توزیع، مبادله و مصرف مواد توجه دارد. نهادهای فرعی آن مانند اعتبار، بانک، تبلیغ و بازار.

نهاد مذهبی: نقش اساسی آن ارضاء یک نیازمندی معنوی مهم انسان یعنی در رابطه بودن با خداست، مذهب دارای اخلاق و الگوهای خاصی است که رفتارها را خوب و بد می کند. نهاد فرعی آن مانند روشهای انجام مراسم مذهبی، قربانی کردن، نذر و زیارت.

نهاد تفریحی: پاسخگوی نیازمندی است در مورد استراحت و آسایش جسمی و روانی. و نهادهای فرعی آن مثل بازیها، ورزش ها، رقص ها، نقاشی و تاتر.

جلسه چهارم

تحول و تطور خانواده:

- خانواده سازمانی است اجتماعی مرکب از پدر، مادر، کودک و احیاناً بستگان آنها.
- خانواده گروهی از افراد (بیش از دو نفر) گفته می شود که بین آنها روابط سببی (زن و شوهری) و یا نسبی (پدر، مادر، فرزند) و خویشاوندی برقرار است. خانواده کوچکترین عنصر جامعه است که در همه جوامع وجود داشته و دارد و همه انسانها از مسیر آن به متن جامعه منتقل می شوند.
- خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که به عنوان مهم ترین مرکز شکل گیری تجارب اجتماعی نوع انسان منعکس شده است، تجمع انسانهای اولیه و تمایل آنها به زندگی اجتماعی به طور طبیعی از ضرورتهای زندگی اجتماعی است که عبارتند از: تولید اقتصادی، تولید مثل، ارضاء نیازهای روحی، اصولی کردن و مشروعیت بخشیدن به روابط جنسی، فراگیری الگوها و رفتارهای اجتماعی، انتقال دانش و ضوابط فرهنگی ناشی شده است.
- فرد از طریق خانواده فرهنگ می پذیرد و عوامل زیستی خود را هماهنگ نموده و به صورت اصولی به نیازهای اصلی خود پاسخ می دهد. بنابراین خانواده به یک واحد اجتماعی و یک عنصر ضروری و مشخص در مجموعه نظام اجتماعی جامعه بشری به وجود آمده و پا به پای عناصر اجتماعی تحول و تطور پذیرفته است.

انواع خانواده:

خانواده را بر مبنای معیارها و ملاکهای متفاوت مانند وسعت خانواده، شیوه ازدواج، نحوه انتخاب همسر و... تقسیم بندی می کنند.

خانواده هسته ای (مستقل): خانواده ای که از پدر و مادر و فرزندان آن تشکیل شده و از پدیده های دوران معاصر است. خانواده هسته ای بر روابط سببی (زناشویی) استوار است.

خانواده گسترده (وابسته): شامل پدر، مادر، فرزندان، پدر و مادر بزرگها و سایر خویشان است از پدیده های جوامع ما قبل صنعتی به حساب می آید، روابط سببی و نسبی از مشخصه های خانواده گسترده است. در خانواده های هسته

ای فرزندان پس از دوران جوانی و کسب استقلال از خانواده جدا شده و خانواده مستقلی را بنا می کنند. اما فرزندان خانواده گسترده پس از ازدواج و استقلال اقتصادی همچنان با پدر و مادر خود می مانند.

ویژگی های روابط خانوادگی:

عده ای از جامعه شناسان خانواده را گروهی می دانند که در آن روابط جنسی به صورتی مجاز و اصولی و مستمر صورت می گیرد و تولید مثل و تربیت فرزندان در چارچوب آن تحقق می پذیرد. بدین جهت چند صفت یا ویژگی اساسی در خانواده وجود دارد:

(۱) رابطه زناشویی.

(۲) نوعی قرارداد زوجین که تداوم زناشویی را ممکن می سازد.

(۳) نظامی است تعلقات خویشاوندی را نشان می دهد.

(۴) در خانواده نیازمندیهای قضایی و آموزشی فرزندان تامین می شوند.

(۵) افراد در یک مکان مشخص و با ابزار و وسایل مشترک زندگی می کنند.

نهاد خانواده در ایران:

خانواده گسترده در جامعه ایران که بر پایه اصول اسلامی، آداب و رسوم و سنت های ایران و ویژگی های اقتصادی-اجتماعی جامعه استوار بود به تدریج دگرگون شده و شکل گیری خانواده هسته ای عمومیت یافته است. گسترش شهرنشینی نفوذ علوم و تکنولوژی در زندگی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جامعه، گسترش رسانه های جمعی، برقراری روابط بیشتر با سایر جوامع صنعتی تغییرات اساسی در ساخت نیروی انسانی و پیدایش اقشار بورژوازی (شهرنشین) و نیروهای متخصص اداری، فنی و خدماتی افزایش مهاجرت های درونی مجموعه عواملی هستند که ساخت خانواده در ایران را دگرگون کرده اند.

خویشاوندی در ایران بر سه نوع زیر است:

(۱) **خویشاوندی نسبی:** بر پایه قرابت خونی استوار است.

۲) **خویشاوندی سببی:** روابط بین افراد و خانواده هایی می باشد که قرابت سببی ناشی از ازدواج دارند.

۳) **خویشاوندی رضاعی:** عبارت است از روابط بین دو نفر که از یک مادر شیر خورده اند .

نوعی دیگر از خویشاوندی در ایران وجود دارد که بر پایه فرزند خواندگی است یادآوری این نکته ضروری است که در ایران به دلیل ازدواج درون گروهی روابط خویشاوندی سببی و نسبی گسترده ای وجود دارد.

جلسه پنجم

گروه های اجتماعی:

گروه یکی از عناصر جامعه است که تعریف آن با توجه به معیارها و آراء مختلف جامعه شناسان کم و بیش متفاوت است. عده ای با معیارهای ذهنی و فرعی (نه اصلی و عینی) گروه اجتماعی را تعریف کرده اند. نظیر معیارهای شخصی، ترس از عدم توانایی فردی، معیارهای قومی و نژادی که هیچ کدام از این معیارها عامل شکل گیری گروههای اجتماعی نیستند. گروههای اجتماعی از عناصر مهم جوامع به حساب می آیند و به ویژگی های اقتصادی _ اجتماعی جامعه بستگی مستقیم دارند.

تعریف گروه اجتماعی:

تعدادی افراد که با هدف و منافع مشترک و کوشش مشترک برای تحقق آنها با هم متحد شده اند. در تعریف گروه اجتماعی (آگ بُرون و نیم کوف) می گویند: گروه اجتماعی دو تن یا عده بیشتری از افراد هستند که در اثر کُنش متقابل اجتماعی به هم پیوند می خورند. کُنش متقابل اجتماعی بر پایه ارتباط متقابل اجتماعی افراد استوار است و ارتباط متقابل اجتماعی ناشی از تاثیرات متقابل افراد است که نوعی انتقال متقابل حالات روانی مشابه را به یکدیگر موجب می شوند.

ژان میزون نو: در تعریف گروه اجتماعی می گوید: گروه واحدی اجتماعی است که هدفش بوجود آوردن اثر و عمل مشترک است و از میان وضع های روانی و رفتارهای مشترکی تجلی می کند، رو به تعادل می رود و نیروی متمرکزی را موجب می شود.

امیل دورکیم: در بررسی های خود به گروههای ویژه ای نظیر خانواده، مدرسه، سندیکا اشاره می کند که برای مشخص کردن ماهیت گروه باید به درجه سازمان دهی ساخت و کارکرد روابط متقابل افراد تقسیم نقش ها، کیفیت زیست و ادامه حیات گروه را بررسی کرد.

سورکین: عوامل موثر جهت عضویت در گروه را عبارت است از خویشاوندی، ازدواج، مذهب، زبان، تشابه شغلی، معیار اقتصادی و مرام سیاسی ذکر می کند.

ژرژ گورویچ: اولین کسی است که کوشید برای طبقه بندی گروههای اجتماعی ضوابطی را بوجود آورد و ۱۵ ضابطه تدارک دید که ۵ ضابطه آن جنبه کاربردی دارد و عبارت است از:

(۱) ابعاد گروه، (۲) ورود و خروج از گروه، (۳) درجه سازمان دهی (رسمی، نظامی و ...)

(۴) کارکرد گروه، (۵) میزان صمیمیت گروه.

ویژگی های گروه های اجتماعی:

علازغم وجود تفاوت های گروههای اجتماعی خصوصیات اصلی آنها عبارتند از:

(۱) هر گروه اجتماعی در یک مرحله مشخص تاریخی دارای وظایف و کارکردهای خاص خود است.

(۲) هر گروه اجتماعی در چهارچوب یک نظام اجتماعی مفهوم و هویت پیدا می کند.

(۳) هر گروه اجتماعی دارای خصوصیات اجتماعی_ روانی خاص خود است. دارای یک بینش، نظرگاه و ایدئولوژی می باشد که متفاوت از سایر گروههاست.

(۴) هر گروه اجتماعی واقعی است مستقل از اراده تک تک افراد آن گروه.

(۵) هر گروه اجتماعی از نگاه جامعه شناسی سیستمی، یک سیستم کوچکتری در کل سیستم جامعه به حساب می آید. بنابراین گروههای اجتماعی دارای ساخت و عملکرد ویژه خود می باشد.

۶) هر گروه اجتماعی هدف و عملکرد واحد و یگانه ای دارد و اعضای گروه ضرورتاً در جهت اهداف و وظایف گروه عملی یکسان و هماهنگ انجام می دهند.

انواع گروه های اجتماعی:

چارلز کولی: گروه های اجتماعی را از نظر نوع روابط شان به دو گروه اولیه و ثانویه (نخستین و دومین) تقسیم کرد.

گروه های نخستین یا غیر رسمی: که روابط بین افراد صمیمی، عاطفی و احساسی است مانند گروه های خانوادگی، ایلی، طایفه ای و... از مشخصات آنها همکاری نزدیک و عاطفی، کمی تعداد افراد، روابط چهره به چهره و روابط دوستانه است که شناخت اولیه از زندگی را به انسان می دهد.

گروه دومین یا رسمی: عبارتند از گروهی از افراد که روابطی منطقی، خشک و حسابگرانه دارند. مانند گروه کارکنان یک موسسه یا سازمان و گروه حزبی.

گروه مرجع:

هیمن: توسط هیمن جامعه شناس آمریکایی در سال (۱۹۴۲) ابداع شد. گروه مرجع آن گروهی است که فرد عضو آن نیست ولی اصول، مقررات، ضوابط و قواعد رفتاری آن گروه (هنجارهای آن گروه) برای او پذیرفته و مقبول می باشد. مثلاً پیروان یک مذهب مشخص، رهبران مذهبی حکم گروه مرجع را دارند.

رابرت مرتون: گروه مرجع را به مثبت و منفی تقسیم می کند، که گروه مرجع مثبت گروهی است که هنجارهایش برای فرد یا افراد پذیرفته شده است ولی گروه مرجع منفی هنجارهایش مورد پذیرش نمی باشد.

تفاوت گروه های اجتماعی با عامه مردم، انبوه خلق و توده مردم:

گروه اجتماعی عنصری از جامعه است که خصوصیات خاصی دارد در حالی که برخی گروه های اجتماعی بر اثر شرایط خاص و به صورت خودجوش بر پایه عواطف و احساسات روانی - اجتماعی

پدید می آیند و در عین حال ناپایدارتر هم می باشند که در زیر به آنها اشاره می شود:

عامه مردم:

نوعی گروه اجتماعی است که دارای تَجانس کمتر ولی منافع عمومی مشترک و فراوان هستند

عامه مردم در برابر عاملی واحد، عملی واحد انجام می دهند و عمدتاً دارای خصلت سیاسی - اجتماعی هستند، عامه مردم در هر جامعه و فاق عمومی و عقیده عمومی مردم جامعه را منعکس می کند و افکار عمومی و خواستههای عمومی مردم را بازتاب می دهند.

ویژگی های عامه مردم عبارتند از:

(۱) وسعت بیشتر به نسبت انبوه خلق.

(۳) دارای نظم هستند.

(۲) در برابر عامل واحد عکس العمل واحدی نشان می دهند.

(۴) جنبه ارادی دارند.

انبوه خلق:

از گروههای اجتماعی غیر ثابت و ناپایدار است که در اثر یک شرایط خاص مثلاً حادثه ای بدون برنامه قبلی جمع می شوند، آنها ناپایدارترین روابط اجتماعی را دارند. بی نظمی، هیجان آنی، عدم تفکر، از دست دادن حس تشخیص و پیوستن به گروه، واکنش مشابه در برابر حادثه از دیگر ویژگی های آنهاست.

توده مردم:

جمعی مُتجانس و مرتبط از عامه مردم می باشد که در عین حال به دلیل منافع مشترک و ارتباط با یکدیگر در مواردی اعمال اجتماعی هدفمندی انجام می دهند و عمدتاً از گروههای محروم و فرو دست جامعه تشکیل می گردند، آنها با توجه به منافع مشترک روابطی با یکدیگر داشته و گاهی در یک زمان و مکان مشخص برای انعکاس خواستههای خود گرد هم می آیند نظیر بیکاران، طبقات محروم و کم در آمد.

علل گرایش انسان به زندگی گروهی:

انسان موجودی است زیستی، عقلی، روحی که هر کدام از این عوامل به تنهایی نمی توانند عامل اصلی گرایش انسان به زندگی اجتماعی باشند. انسان اولیه تا حدودی تحت تاثیر محیط طبیعی و جغرافیایی بود، کم کم توانایی فکری انسان افزایش یافت و با ساختن ابزار فنی انسان و محیط اجتماعی بر محیط طبیعی و جغرافیایی مسلط شدند با نتایج علوم مختلف (زیست شناسی، تاریخ، مردم شناسی، اقتصاد، جامعه شناسی و...) افق نگرش انسان گسترش یافت و انسان را موجودی با ویژگی های فیزیکی، زیستی، روحی و روانی، عقلی و فکری، اجتماعی و فرهنگی معرفی کردند به طوری که نیاز به زندگی کردن و زنده ماندن، نیاز انسانها به یکدیگر اساس پیدایش جامعه گردید.

نظر قرآن درباره گروه های اجتماعی:

انسان عنصری اجتماعی و در نظام خلقت چنان آفریده شده که نمی تواند تنها زندگی کند و با گرایش به کار گروهی و روابط جمعی به تولید و سازندگی مادی و معنوی می پردازد و زندگی گروهی را تداوم می بخشد نگرش سیستمی به پدیده های مختلف به عنوان پایه و اساس نظام خلقت و جهان هستی به عنوان روش علمی و جامع مطرح گردیده که در معارف اسلامی به روشنی بازتاب یافته است نگرش به انسان کلیت انسان به عنوان عنصری چند بعدی را مطرح می کند که مسئله زیستن و تلاش برای تداوم زندگی به عنوان اساس و بنیاد شکل گیری جوامع بشری به حساب می آید. به طوری که مرتضی مطهری معتقد بود اجتماعی بودن انسان در متن و سرشت خلقت او بنیان گذاری شده است. (کتاب جامعه و تاریخ مطهری - انتشارات ملامصدرا)

به بیان دیگر نیازهای حیاتی انسان عمدتاً نیازهای اجتماعی اند اگر انسان به تولید (غذا، پوشاک،

مسکن) به فرزند و ایجاد امنیت و انتقال معرفت نیاز داشت راهی جز همکاری با انسانها کار گروهی، ارتباطات گروهی پیش رویش نبود و به همین علت به سمت تشکیل گروههای اجتماعی (خانواده، گروه کاری و...) رفت.

رفتار گروهی و کنش های متقابل اجتماعی:

گروههای اجتماعی در روابط متقابلی که دارند رفتارهای مشابهی انجام می دهند و نوعی هماهنگی در رفتارشان حاصل می شود که نتیجه عملکرد واحد گروه را پدید آورده و گروه را به اهداف مشترک می رساند. همکاری در گروه، کوشش گروه برای رسیدن به اهداف است همیشه رفتار و اهداف گروه نسبت به هم در جهت هماهنگی و یگانگی گروه نمی باشد. رفتار اعضای گروه نسبت به هم یا (کنش های متقابل گروهی) یا بر پایه همکاری و همانند

گرایی استوار است که کنش متقابل پیوسته خوانده می شود، یا شکل رقابت، ستیز، سبقت جویی دارد که کنش متقابل گسسته نام می گیرد.

رفتار گروهی: رفتار مشترکی است مبتنی بر کنش های متقابل افراد در گروه اجتماعی که ایجاد تحریک هایی در اعضاء گروه شده تداوم کنش و واکنش ها جنبه شدید عاطفی پیدا می کنند و نوعی هماهنگی و تجانس در رفتار گروه را به وجود می آورد و نهایتاً رفتار مشابه از اعضای گروه سر می زند.

رفتار مشابه اعضای گروه نوعی واگیری اجتماعی در سطح جامعه را موجب می شود که اشکال آن مختلف است. مثل مد اجتماعی، هوس اجتماعی، جنون اجتماعی، شیدایی و هراس اجتماعی.

نابرابری های اجتماعی و علل آنها :

مفهوم قشربندی اجتماعی در فرهنگ جامعه شناسی عبارت است از دیدگاهی که افراد و گروههای اجتماعی را به صورت لایه ها و قشرهایی تلقی می کنند که به صورت بالا و پایین روی

هم چیده شده اند. بحث نظری در مورد قشربندی اجتماعی دارای سابقه تاریخی است که در همه دوران های تاریخی نظریات متفکران درباره نابرابری های اجتماعی را ملاحظه می کنیم علاوه بر آن بتن جوامع بشری به نوعی افکار عمومی بر می خوریم که به امر نابرابری های اجتماعی تکیه کرده و در گستره شعور اجتماعی مردم جایگاه خاصی دارند مبارزات مردم در دوران های مختلف انعکاس ندای آزادی طلبی و عدالت خواهی سیاست مداران طرفدار مردم و روشنفکران انقلابی در تاریخ خود گواهی است بر وجود نابرابری های اجتماعی در جوامع مختلف.

مفهوم نابرابری های اجتماعی از یک بار ارزشی برخوردار است که افراد و گروههای خاص را بالاتر از افراد و گروههای دیگر قرار می دهد. مثلاً در جوامع و کشورهایی که به نابرابری های اجتماعی باور دارند اختلافات و تفاوت های نژادی، خونی، قومی و غیر آنها به عنوان عوامل برتر مورد ارزش گذاری قرار می گیرد و در نتیجه این فاکتورها پایه رتبه بندی و درجه بندی مقام های اجتماعی افراد قرار می گیرند و نهایتاً نابرابری های اجتماعی بوجود می آیند. مثلاً کشورهای آفریقای جنوبی (رنگ پوست و نژاد) پایه داوری و رتبه بندی اجتماعی افراد و گروهها بود و بسیاری از افراد از امکانات اجتماعی محروم بودند و تحت شدیدترین نابرابری های اجتماعی قرار داشتند.